

رابطه باروری و عوامل اقتصادی و اجتماعی*

مطالعه‌ای در شش ده استان فارس

اسمعیل عجمی**

مقدمه

هرچند در زمینه تفاوت‌های باروری روستائیان نسبت به شهرنشینان مطالعات نسبتاً وسیعی انجام گرفته، اما مطالعه این تفاوت‌ها در داخل اجتماعات روستائی کمتر مورد توجه واقع شده است. بطور کلی می‌توان گفت که بین باروری و منزلت اجتماعی - اقتصادی خانواده شهرنشین رابطه معکوسی وجود دارد^۱. باینکه در سال‌های اخیر تفاوت‌های باروری میان خانواده‌های طبقات مختلف اجتماعی شهرهای کشورهای صنعتی روبه کاهش نهاده است، معهداً چنین رابطه معکوسی را هنوز می‌توان در جوامع مذکور مشاهده کرد^۲. باید در نظر داشت که گرچه مطالعات انجام شده در کشورهای غربی مبین وجود تفاوت‌هایی در میزان باروری طبقات مختلف اجتماعات روستائی است^۳، اما نمی‌توان این نتیجه‌گیری را به کشورهای در حال توسعه نیز تعمیم داد. زیرا تعداد بررسی‌هایی که تاکنون در این زمینه در جوامع روستائی کشورهای در حال توسعه انجام شده است محدود و نتایج به دست آمده نیز تا حدی مغایر یکدیگرند.

برخی از مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه روشنگر وجود رابطه مستقیمی بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و باروری در میان روستائیان است. برای مثال، «نستین» (Notstein) در تحقیقات خود چنین رابطه مستقیمی را، (گرچه خیلی جزئی و کم اهمیت) در میان روستائیان کشور چین مشاهده کرد^۴.

* متن اصلی این مقاله تحت عنوان:

Differential Fertility in Peasant Communities: A Study of Six Iranian Villages

در شماره ۳ مجله Population Studies، نوامبر ۱۹۷۶ منتشر شده است.

** آقای دکتر اسمعیل عجمی استاد جامعه‌شناسی روستائی دانشگاه پهلوی می‌باشد. هزینه این پژوهش از طرف شورای توسعه و تشویق پژوهش‌های علمی کشور تأمین شده است. محاسبات، تجزیه و تحلیل و تهیه متن نهائی مقاله در سال ۱۳۵۴ که نویسنده در مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه «دولک» آمریکا به مطالعه اشتغال داشت، انجام شده است.

«استیس» (Stys) در بررسی رابطه تعداد افراد خانواده با مقدار زمین خانواده در میان روستائیان لهستانی، به این نتیجه رسید که تعداد افراد خانواده در میان کشاورزان ثروتمند بیشتر است تا در میان خانوارهای فقیر. مطالعات «دریور» (Driver) در دهات نمونه مناطق مرکزی هند نیز مؤید وجود رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین مقدار زمین و تعداد اولاد خانواده‌های روستائی است. حتی هنگامی که تفاوت سن همسران کشاورزان در تحقیق وی کنترل می‌شود باز هم نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مالکان اراضی بزرگتر دارای اولاد بیشتری می‌باشند.^۶

«ناگ» (Nag) پس از تجزیه و تحلیل آمار جمعیتی سه ده در بنگال غربی نتیجه گرفت که میزان باروری در این دهات، با شغل، مالکیت زمین و میزان تحصیلات پدر خانواده رابطه مستقیم و مثبت دارد.^۷

برخی دیگر از مطالعات انجام شده در جوامع روستائی کشورهای توسعه نیافته، نشان می‌دهد که یا اصولاً رابطه معینی میان منزلت اجتماعی- اقتصادی و باروری وجود ندارد و یا اینکه رابطه‌ای معکوس بین آنها حکم فرماست. «یوکی» (Yaukey) در مطالعه خانوارهای دو روستای لبنان نشان می‌دهد که بین میزان باروری و سطح سواد، شغل و درآمد رئیس خانواده‌های مسلمان رابطه‌ای موجود نیست، حال آنکه میان میزان باروری و منزلت اقتصادی- اجتماعی خانوارهای مسیحی دهات مذکور رابطه معکوسی وجود دارد.^۸ «ریزک» (Rizk) نیز پس از پژوهشی در سه دهه از دهات مصر نتیجه گرفت که متغیرهایی مانند سواد، شغل و یا مذهب در تعیین تفاوت‌های باروری بین طبقات مختلف اجتماعی تأثیر چندانی ندارند.^۹

«نادل» (Knodel) در تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به خصوصیات جمعیتی یکی از دهات آلمان طی قرون ۱۸ و ۱۹ و نیمه اول قرن بیستم مشاهده کرد که اصولاً میزان باروری در میان خانوارهای ده مذکور بالا است، ولی بر طبق یافته‌های او هیچ نوع رابطه معینی بین تعداد اولاد خانوار و شغل رئیس خانوار وجود ندارد.^{۱۰} بررسی خصوصیات جمعیتی خانوارهای نمونه ۱۶ دهه از دهات کازرون نشان می‌دهد که رابطه معکوسی بین تعداد نفرات خانوار و درآمد رئیس خانوار موجود است.^{۱۱}

در مطالعات فوق‌الذکر، سواد، درآمد و شغل بعنوان سلاک‌های منزلت اجتماعی اقتصادی خانواده در رابطه با میزان باروری به کار رفته است. بطور کلی نتایج بدست آمده حاکی از وجود رابطه معکوس و یا اصولاً فقدان رابطه معینی بین متغیرهای اقتصاد اجتماعی و میزان باروری خانواده‌های روستائی است.

با وجود مطالعاتی چند که در باره رابطه منزلت اجتماعی و میزان باروری خانوارهای روستائی صورت گرفته، با این همه اکثر پژوهندگان علوم اجتماعی بر این عقیده‌اند که تمایزات طبقاتی در اجتماعات روستائی بسیار اندک است که در نتیجه مطالعه تفاوت‌های باروری-یسن

طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی در جوامع روستائی کمتر پرداخته اند.

در تحقیق حاضر دو اصل مورد توجه بوده است: نخست آنکه دهات مورد مطالعه دارای ساخت طبقاتی متمایز می باشند، و دیگر آنکه گرچه میزان باروری زنان روستائی، در درجه اول تحت تأثیر عوامل بیولوژیک قرار دارد با وجود این به منزلت اقتصادی- اجتماعی خانوار نیز وابسته می باشد. در وهله نخست سعی شده از شاخص های متداول جامعه شناسی برای تعیین منزلت اجتماعی- اقتصادی خانوارهای روستائی استفاده شود، و آنگاه چگونگی رابطه باروری با هر یک از عناصر تشکیل دهنده شاخص منزلت اقتصادی- اجتماعی بطور جداگانه و نیز به صورت مرکب یعنی با خود شاخص مورد بررسی قرار گیرد. در پایان کوشش شده است که با استفاده از متغیرهای کنترل مانند سن زن در موقع ازدواج، مدت ازدواج و استفاده از وسائل پیش گیری، رابطه میان باروری و طبقه اجتماعی خانوار توجیه و تبیین شود.

۱- مبانی و اصول نظری

برخی از صاحب نظران علوم اجتماعی در مطالعه ساخت درونی جوامع روستائی به سه نکته اشاره می کنند: نخست آنکه اجتماعات روستائی از تجمع گروه های کوچکی تشکیل می شود که اعضای آن به طور مداوم با هم در ارتباط می باشند و یکدیگر را به خوبی می شناسند. دوم آنکه، این جوامع دارای ساخت اجتماعی- اقتصادی نسبتاً همگن است، و سوم آنکه، تجانس ساخت اجتماعی به دنبال خود تجانس و همگنی فرهنگی را مطرح می سازد، به بیان دیگر، افرادی که در یک ده زندگی می کنند دارای ارزش ها و معیارهای فرهنگی کم و بیش یکسانی می باشند.^{۱۲}

اما این رانیز باید اذعان داشت که کلیات مذکور تصویر ثابت و ساده ای از جوامع روستائی به دست می دهد، و اصولاً محققان اجتماعی در این باره متفق القول نیستند. از این رو، در مطالعه جوامع روستائی کشورهای در حال توسعه، می توان فرض را بر این بنا نهاد که در اینگونه جوامع نیز قشر بندی اجتماعی، تنوع شغل و تفاوت شیوه زندگی تا اندازه ای وجود دارد. «لویس» (Lewis) در این باره می گوید:

«با مطالعه و تحقیقی که «ردفیلد» (Redfield) در این باره به عمل آورده و مقایسه آن با تجربیاتی که شخصاً از بررسی دهات سکزیک به دست آورده ام، به این نتیجه رسیدم که «ردفیلد» مفهوم تسلسل جامعه ابتدائی و جامعه شهری را به عنوان یک اصل کلی برای نظم بخشیدن به مطالعات اجتماعی به کار برده است. بنابراین می توان گفت که اوری جنبه های رسمی و تشریفاتی زندگی مردم بیشتر تأکید کرده است تا امور روزمره زندگی. به عبارت دیگر، «ردفیلد» بیشتر در جستجوی اثبات تجانس اجتماعی بوده است تا ناهم آهنگی ها و تضادها، و نیز بیشتر به تأثیر سنت و عرف اجتماع توجه -

مطالعاتی که در سال‌های اخیر درباره خصوصیات ساخت اجتماعی جوامع روستائی کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است اکثراً دلالت بر وجود تفاوت‌های طبقاتی دارد. برای نمونه، «براند» (Brandes) در مطالعه خود در یکی از دهات اسپانیا مشاهده کرد که علاوه بر کشاورزی تعدادی شغال دیگر نیز در ده وجود دارد و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان گروه‌های شغلی از نظر سطح زندگی به چشم می‌خورد.^{۱۴} «لمبتون» (Lambton) در مورد دهات ایران می‌نویسد «نباید تمام روستائیان را جزء یک طبقه اجتماعی متجانس به حساب آورد، زیرا در این صورت تفاوت‌های مهمی را که در ساخت طبقاتی روستاها وجود دارد ندیده گرفته ایم».^{۱۵} نگارنده در مطالعه سه دهه از دهات منطقه سرودشت شیراز، سه طبقه اجتماعی بدین شرح مشاهده کرده «تلمبه کاران» که مساحت اراضی آنان نسبتاً بزرگ است و تا اندازه‌ای تکنیک‌های جدید را در کار زراعت به کار می‌برند. طبقه دهقانان که صاحب زمین‌های کوچکی بوده و فقط قادرند معاش خانواده‌شان را تأمین کنند. خوش نشینان که شامل کارگران کشاورزی و غیر کشاورزی می‌باشند. مطالعه مزبور تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را از لحاظ شیوه زندگی و خصوصیات جمعیتی، در خانوارهای طبقات مختلف اجتماعی نشان می‌دهد.^{۱۶}

بطور کلی می‌توان گفت که هرچه جوامع سنتی به مرحله رشد صنعتی و شهرنشینی نزدیک‌تر می‌شوند، تنوع و شکستگی ساخت اجتماعی و فرهنگی اجتماعات روستائی آنها افزون‌تر شده و نظام ارزش‌ها و طرز فکر روستائیان متحول می‌شود. برخی از روستائیان بتدریج از حالت تفرده، سرنوشت‌گرایی و کهنه پرستی بیرون می‌آیند و به اقتباس و پذیرش روش‌های نو زندگی و شیوه‌های جدید زراعت روی می‌آورند. مطالعات «راجرز» (Rogers) در دهات کلمبیا نشان می‌دهد که در میان دهقانان پیشرو و پذیرای تکنیک‌های جدید، سطح سواد، دسترسی به وسائل ارتباط جمعی، موقعیت اجتماعی، انگیزه پیشرفت و آرزوی پیشرفت تحصیلی و شغلی به مراتب بالاتر از سایر دهقانان است. با توجه به نتایج مطالعات فوق‌الذکر می‌توان گفت که تنوع و شکستگی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی دهات اثرات قابل ملاحظه‌ای در میزان باروری و طرز فکر روستائیان نسبت به داشتن اولاد دارد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌هایی از نظر ارزش اولاد، بعد خانواده، سن زن هنگام ازدواج، میزان جلوگیری از بارداری و سقط جنین چه عمدی و چه غیر عمدی، در بین طبقات اجتماعی روستائی وجود داشته باشد. در این مورد «فریمن» (Free-man) می‌گوید: «تولید مثل و باروری بحدی برای خانواده و اجتماع در تمام نقاط دنیا مهم می‌باشد که سطح آن کم و بیش تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی و طرز فکر افراد نسبت به اولاد، ازدواج، سن ازدواج و سقط جنین قرار دارد».^{۱۸}

۲ - جامعه مورد مطالعه

در تحقیق حاضر بیش از دوسوم خانوارهای ساکن شش روستای فارس مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و اطلاعات مورد نیاز از طریق انجام مصاحبه با رئیس خانوار و همسر وی در تابستان

۲۰۳۳ به دست آمده است.

شش ده مذکور در دهستان های «رامجرد» و «بیضاء» واقع شده اند که با شیراز بین ۶-۴ کیلومتر فاصله دارد. سه ده از شش ده مزبور جزو ۲۳ روستائی است که در سال ۲۰۳ ضمن پروژه تحقیقاتی ای که پیرامون اثرات اقتصادی و اجتماعی سد داریوش کبیر بوسیله نگارنده اجراء شد، مورد بررسی قرار گرفتند. سه ده دیگر که در دهستان بیضاء قرار دارند خارج از شبکه آبیاری سد بوده، و به عنوان «دهات شاهد» در پژوهش مذکور مورد تحقیق قرار گرفته اند.

در دهات مورد مطالعه هشتاد و پنج درصد از سران خانوارهای نمونه کشاورز و پانزده درصد بقیه خوش نشین می باشند که به کارهایی از قبیل دکانداری، رانندگی و کارگری اشتغال دارند. محصولات عمده این دهات گندم، جو، برنج، چغندر قند و پنبه است. گندم و برنج بیشتر به منظور تأمین احتیاجات غذائی خانوار کشت می شود در صورتی که پنبه و چغندر قند برای فروش به بازار عرضه می شود. بطور کلی دهات مورد مطالعه خود کفا و جدا از بازارهای شهری و روستائی نیستند. چه روستائیان مذکور نه تنها با شهر سرودشت که هنوز خصوصیات ده را به مقدار زیادی حفظ کرده (با جمعیت . . . ۳ نفر) داد و ستد دارند، بلکه با عشایری هم که در مسیر بیلاق و قشلاق خود، گذرشان به این دهات می افتد به مبادله کالا می پردازند. خلاصه آنکه هیچکدام از دهات نمونه دارای ساخت اجتماعی متجانس و یکدست نبوده، از نظر اقتصادی هم زندگی مجزا و خود کفائی ندارند.

طبق سرشماری ای که در تابستان سال ۲۰۳۳ به عمل آمد، در شش ده مزبور جمعاً ۳۱۳ خانوار ساکنند. در بررسی حاضر با ۲۳ خانوار یعنی حدود ۷ درصد آنها مصاحبه به عمل آمده است و برای هر زن و شوهر پرسشنامه جداگانه ای تکمیل شده است. مصاحبه با زنان روستائی توسط دانشجویان دختر بخش عمران ملی و جامعه شناسی دانشگاه پهلوی صورت گرفته است. پس از تکمیل پرسشنامه ها، تعداد ۳ پرسشنامه که در آنها سن فعلی یا سن در موقع ازدواج به طور روشن گزارش نشده بود، حذف شد. بدین ترتیب در مطالعه فعلی آمار و اطلاعات بدست آمده از پرسش نامه های ۲۰ زن و شوهر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳- اندازه گیری باروری

در این مطالعه باروری و ارزش آن به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است. ارزش باروری براساس تعداد اولادی که همسر رئیس خانوار دوست دارد داشته باشد، محاسبه شده است. برای این منظور، از زنان روستائی سؤال شده که دوست دارند چند فرزند داشته باشند. گرچه پانزده درصد از زنان مورد مطالعه در جواب این سؤال پاسخ داده اند که هر چه خدا بخواهد اما هشتاد و پنج درصد بقیه تعداد فرزند ایده آل خود را ذکر کرده اند. سطح باروری براساس

دو شاخص اندازه‌گیری شده است:

- ۱- تعداد فرزندان بدنیآ آمده خانوار که بچه‌های زنده فعلی و آنهایی را که قبل از زمان انجام مصاحبه برده بودند شامل می‌شود.
 - ۲- تعداد فرزندان زنده در هنگام انجام مصاحبه.
- از این شاخص برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی در مورد سطح باروری استفاده شده است، زیرا امکان داشت برخی افراد بخصوص سالخوردگان تعداد فرزندان از دست داده خود را فراموش کرده باشند.

۴- شاخص منزلت اقتصادی-اجتماعی

تا بحال یک شاخص مناسب به منظور طبقه‌بندی قشرهای مختلف اجتماعی-اقتصادی، برای روستائیان ایران درست نشده است. تعیین و تهیه شاخص منزلت اجتماعی-اقتصادی Socio-Economic Status Scale نه تنها از لحاظ تئوری برای مطالعه ساخت طبقات اجتماعی در جوامع روستائی لازم است، بلکه وقتی متغیرهای حد واسط *Intervening Variables* نیز شناخته شده باشند کار تجزیه و تحلیل و توجیه تفاوت‌های باروری در ارتباط با طبقه اجتماعی آسان می‌شود. بدیهی است برای ساختن شاخص منزلت اجتماعی-اقتصادی هم شناخت دقیق ساخت اجتماعی دهات مورد مطالعه ضروری است، و هم آگاهی از روش‌هایی که پژوهندگان اجتماعی در مطالعه طبقات اجتماعی به کار برده‌اند. در تحقیق حاضر سه فرض مورد نظر بوده است: (۱) در اجتماعات روستائی طبقات اجتماعی وجود دارد (۲) منزلت و پایگاه طبقات مختلف را به وسیله چند خصوصیت مورد قبول می‌توان مشخص ساخت (۳) با استفاده از روش‌های آماری می‌توان خصوصیات منزلت اجتماعی را در یک شاخص کلی جمع و ترکیب کرد.^۱

بطور کلی در دهات ایران می‌توان خانوارها را با توجه به وضع مالکیت زمین طبقه‌بندی کرد، بر این اساس می‌توان گفت هر خانواری که زمین بیشتری داشته باشد، از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار است. به بیان دیگر، در جامعه روستائی مالکیت زمین هسته اصلی زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. «باربر» (Barber) می‌نویسد: «در جوامع روستائی بین عامل مالکیت زمین و مقام و موقعیت طبقاتی، بستگی و رابطه مستقیم وجود دارد. حتی در اجتماعاتی که مالکیت اراضی مزروعی، دیگر سبنای پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی خانواده نیست، عامل مذکور باز هم به صورت غیر مستقیم مبین موقعیت اجتماعی افراد است».^۲

در مطالعه فعلی، بدو وضع مالکیت زمین به عنوان معیاری برای طبقه‌بندی اجتماع ده در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب که تمام خانوارها به دو طبقه وسیع اجتماعی تقسیم شدند. (الف) خانوارهایی که صاحب زمینی بودند و یا حق بهره‌برداری از آن را داشتند. (ب) خانوارهایی که

فاقد مالکیت اراضی مزروعی بودند. طبقه اول شامل خرده مالکان، دهقانان و مستأجران است. طبقه دوم که خوش نشین خوانده می‌شوند، گروه کارگران کشاورزی و سایر مشاغل غیر کشاورزی را دربر می‌گیرد.

جالب اینکه، خود دهقانان نیز از وجود چنین شکل و ساخت طبقاتی آگاهند و به عناوین مختلف آن را اظهار می‌دارند. برای نمونه، در شمال شرقی ایران کارگران کشاورزی «آفتاب‌نشین» خوانده می‌شوند و در جنوب غربی ایران به این گروه «محروم» اطلاق می‌شود.

هر کدام از دو طبقه اصلی به نوبه خود به گروه‌های فرعی تقسیم می‌شود. مثلاً در مورد افرادی که با زمین سروکار دارند می‌توان از نظر سطح زمین، مقدار تولید و درآمد گروه‌های مختلفی را تشخیص داد. بهمین ترتیب در قشر خوش‌نشین نیز می‌توان مشاغل گوناگونی از قبیل کارگر کشاورزی، مغازه‌دار و پیلهور یا کارگران غیر کشاورز با ارزش‌های اجتماعی متفاوت مشاهده کرد. به عبارت دیگر، طبقه خوش‌نشین ممکن است از دو گروه متمایز زحمت‌کش و خرده‌بورژوا تشکیل شود. بنابراین لازم است در شاخص منزلت اقتصادی - اجتماعی متغیرهای دیگری که تفاوت‌های خانوارهای روستائی را از نظر ثروت و درآمد منظور می‌دارد وارد کنیم.

از آنجا که در مطالعه ۲۳ ده در سال ۱۳۵۰ به این نتیجه رسیدیم که اظهارات روستائیان در مورد میزان درآمدشان، غالباً غیر قابل اطمینان است^۱، در تحقیق حاضر کوشش شده است که برای بررسی وضع مالی آنها از روش‌های غیر مستقیم استفاده شود. در اجرای این منظور، برای نشان دادن وضع درآمد و ثروت خانوار، مالکیت لوازم خانگی و کالاهای بادوام در نظر گرفته شده است. این متغیر شامل شش کالا به این شرح است: ۱- چراغ خوراک‌پزی نفتی ۲- بخاری ۳- دوچرخه ۴- گرامافون یا ضبط صوت ۵- موتورسیکلت ۶- چرخ خیاطی.

با توجه به اهمیت هر کالا که بر اساس توزیع فراوانی آن تعیین شده، شاخص ثروت و درآمد خانوار روستائی تهیه و تدوین شده است. اعتبار این شاخص با استفاده از روش «روائی محتوی» (Content Validity) تأیید شد. بدین معنی که رابطه مستقیمی بین شاخص مالکیت اشیاء فوق‌الذکر و تماس با وسائل ارتباط جمعی (که خود با درآمد رابطه مثبت دارد) مشاهده شد^۲. بر اساس شاخص مالکیت اشیاء یادشده، خانوارهای نمونه به سه قشر مرفه، متوسط و کم درآمد تقسیم شدند. سپس برای ساختن شاخص منزلت اقتصادی - اجتماعی، شغل و سطح تحصیلات شوهر، به علت اهمیت آن که در تعیین منزلت اجتماعی افراد دارد، نیز در نظر گرفته شده است.

بدین ترتیب، شاخص منزلت اقتصادی - اجتماعی خانوارهای روستائی، بر اساس متغیرهای زمین‌داری، مالکیت کالاهای بادوام، شغل شوهر و سطح سواد تعیین شده است. سپس به هر کدام از متغیرهای مزبور نمره‌ای داده شد و مجموع نمرات برای هر پاسخ دهنده محاسبه گردیده است.

به عبارت روشن تر، نمره زمین داری بر اساس هکتار زمین خانوار، و نمره تحصیلات برابر تعداد سال‌های تحصیل رئیس خانوار معین شده است. برای نمره دادن به مالکیت کالاهای بادوام همانطور که قبلاهم اشاره شد، هر کدام از کالاها براساس اهمیتشان طبقه‌بندی و به هر یک امتیازی داده شد. جمع کل امتیازات سزبور به عنوان نمره خانوار از لحاظ مالکیت اشیاء بادوام منظور گردید. به گروه‌های شغلی براساس ملاک ذهنی نمره داده شد، بدین معنی که برای کارگران کشاورزی و غیر کشاورزی نمره یک و برای دهقانان نمره دو و برای مغازه داران و پیله‌وران نمره سه در نظر گرفته شده است.

جمع نمرات رئیس خانوار از چهار متغیر مذکور، به عنوان شاخص منزلت اقتصادی - اجتماعی خانوار در نظر گرفته شده است. البته در شاخص مذکور فرض اصلی بر این است که هر چهار متغیر دارای اهمیت و ارزش یکسان می‌باشند و بایکدیگر قابل جمعند. حاصل آنکه براساس جمع نمرات چهار متغیر مذکور، خانوارهای شش روستای مورد مطالعه از نظر منزلت اقتصادی - اجتماعی به سه قشر بالا، متوسط و پائین گروه‌بندی شدند. بدین ترتیب ۵۲ خانوار در قشر بالا، ۹۴ خانوار در قشر متوسط و ۶۱ خانوار در قشر پائین قرار گرفتند. محاسبه ضریب همبستگی هر یک از چهار عنصر تشکیل دهنده شاخص منزلت اقتصادی - اجتماعی با خود شاخص نشان می‌دهد که شاخص مذکور از درجه اعتبار (reliability) قابل قبولی برخوردار است^{۲۳}. درجه روائی (Validity) شاخص منزلت اجتماعی براساس ضریب همبستگی بین این شاخص و میزان مشارکت سسران خانوارها در سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی ده محاسبه شده است^{۲۴}.

۵- عوامل اقتصادی - اجتماعی و باروری

بسیاری از مطالعات اجتماعی تفاوت‌های باروری خانوارهای روستائی را به یک یا چند عامل اقتصادی و اجتماعی نسبت می‌دهند.

در تحقیق حاضر، ابتدا رابطه باروری با اندازه زمین خانوار، مالکیت کالاهای بادوام، شغل و سطح سواد به طور جداگانه برای زنان خانوارهای نمونه مطالعه شده است (جدول شماره یک) روش آماری مورد استفاده در این مقاله بیشتر براساس تجزیه واریانس (Variance) و کوواریانس (Co-Variance) است. ضمناً آزمون (Ftest) و (Ttest) برای تعیین معنی داری بودن مطالعه از نظر آماری (Test of significance) به کار برده شده است.

بطوریکه جدول شماره یک نشان می‌دهد رابطه مستقیم و مثبتی بین زمین داری و باروری وجود دارد. چه میانگین تعداد فرزندان بدنیآمده در میان زنان خانوارهای طبقه بالا یعنی آنهایی که ۱۰ هکتار و بیشتر زمین دارند ۵/۸ نفر است و حال آنکه در میان زنان خانوارهای طبقه متوسط

(جدول ۱)

میانگین تعداد دلخواه فرزند، تعداد فرزندان بدنیا آمده و تعداد فرزندان در حال حیات خانوار در زمان انجام مصاحبه بر حسب عوامل اجتماعی و اقتصادی

میانگین تعداد فرزندان خانوار			
عوامل اجتماعی - اقتصادی	تعداد زنان نمونه	دلخواه (الف)	بدنیا آمده
جمع	۲۰۵	۵/۹	۴/۷
۱- اندازه زمین خانوار			
بیشتر از ۱ هکتار	۳۷	۶/۱	*۵/۸
کمتر از ۱ هکتار	۱۰۴	۶/۱	۴/۹
بدون زمین	۶۴	۵/۴	۳/۸
۲- میزان مالکیت کالاهای بادوام خانوار (ب)			
بالا	۴۱	۵/۸	*۵
متوسط	۹۹	۶/۳	۵
پائین	۶۵	۵/۳	۴
۳- شغل شوهر دهقان			
کارگران کشاورزی و غیر کشاورزی	۱۴۰	۶/۱	*۵/۱
غیر کشاورزی	۵۸	۵/۵	۳/۹
مغازه داران و غیره (ج)	۷	-	-
۴- تحصیلات شوهر			
باسواد	۳۹	۵/۵	۴/۵
بی سواد	۱۶۶	۶	۴/۸

(الف) ۳۱ زن یعنی ۱۵٪ کل زنان مورد مطالعه اظهار داشتند که تعداد فرزندان آنها بستگی به اراده و مشیت الهی دارد. بنابراین، میانگین تعداد دلخواه فرزند برای بقیه ۱۷۶ زن که تعداد اولاد مورد دلخواه خود را ذکر کرده اند، محاسبه شده است.

* تفاوت های بین میانگین زنان طبقه بالا در مقایسه با زنان طبقه پائین و تفاوت های بین میانگین زنان طبقه متوسط در مقایسه با زنان طبقه پائین از نظر آساری در سطح پنج درصد احتمال اشتباه معنی دار است.

(ب) براساس نتایج بدست آمده از لحاظ مالکیت شش قلم کالاهای بادوام خانوار.

(ج) بعلت محدود بودن تعداد افرادی که در این گروه واقع می شوند (تنها هفت نفر) و اثری که این مسأله روی آزمون معنادار بودن می گذارد، نتایج بدست آمده در باره این هفت خانوار مغازه دار و یا سایر مشاغل در جدول ارائه نشده است.

و دهقانان خرده‌پا میانگین فرزندان بدنیا آمده $۴/۹$ و بالاخره برای خانوارهای طبقه پایین (خوش‌نشین‌ها) $۳/۸$ است. رابطه مالکیت زمین و میانگین تعداد فرزندان زنده خانوار نیز مثبت است. اگرچه میانگین تعداد دلخواه اولاد برای زنان خانوارهای خوش‌نشین $۵/۴$ و برای طبقه بالا و متوسط $۶/۱$ است ولی تفاوت‌های مذکور از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

حال اگر خانوارهای نمونه براساس شاخص مالکیت کالاهای بادوام تقسیم بندی شوند باز هم تفاوت‌های باروری به چشم می‌خورد. برطبق ارقام جدول شماره یک میانگین تعداد بچه‌های بدنیا آمده از پنج نفر در زنان طبقه بالا تا چهار نفر در میان زنان طبقه پائین در نوسان است. ولی رابطه مالکیت کالاهای بادوام با تعداد دلخواه اولاد زنان به صورت منحنی است. بدین معنی که میانگین تعداد دلخواه فرزند در زنان طبقه بالا $۵/۸$ ، در طبقه پائین $۵/۳$ و در طبقه متوسط $۶/۳$ می‌باشد. بهر حال تفاوت بین میانگین تعداد دلخواه فرزند در میان سه طبقه مذکور از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

ارقام جدول شماره یک مبین رابطه مستقیم بین شغل شوهر و میزان باروری است. چه میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده در خانوارهای زارع $۵/۱$ و در خانوارهای کارگران کشاورز و غیر کشاورز $۳/۹$ است. از نظر تعداد فرزندان در حال حیات خانوار نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین دو طبقه مذکور وجود دارد. میانگین تعداد فرزندان زنده خانوارهای زارع $۳/۹$ است و حال آنکه رقم مذکور برای خانوارهای کارگر سه می‌باشد. گذشته از این، رابطه میان شغل شوهر و میانگین تعداد دلخواه فرزند مثبت می‌باشد ولی از نظر آماری معنی‌دار نیست.

رابطه باروری زنان با سطح سواد همسرشان چندان قابل ملاحظه نیست. میانگین تعداد دلخواه فرزند برای زنانی که دارای شوهر باسواد می‌باشند $۵/۵$ و تعداد فرزند بدنیای آن‌ها $۵/۴$ است و حال آنکه این ارقام برای زنانی که شوهر بی‌سواد داشتند به ترتیب ۶ و $۴/۸$ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه منفی بین سطح سواد شوهر و باروری بسیار ناچیز و از نظر آماری معنی‌دار نیست.

۶- رابطه منزلت اجتماعی- اقتصادی و باروری

بطوری که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، بین منزلت اجتماعی- اقتصادی و باروری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. چرا که میانگین تعداد بچه‌های به دنیا آمده و میانگین تعداد فرزندان زنده خانوارهای طبقه بالای روستاهای مورد مطالعه در مقایسه با ارقام مشابه در میان خانوارهای طبقه پائین به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. تفاوت‌های مذکور از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. اما تفاوت میانگین تعداد دلخواه فرزند در سه طبقه اجتماعی جزئی است.

(جدول ۲)

میانگین تعداد دلخواه فرزند، میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده و میانگین تعداد فرزندان زنده در زمان انجام مصاحبه بر حسب منزلت اجتماعی- اقتصادی خانوار

میانگین تعداد فرزندان				(الف)
				منزلت اجتماعی- اقتصادی
تعداد زنان نمونه	دلخواه	به دنیا آمده	در حال حیات	
(نفر)	(نفر)	(نفر)	(نفر)	
۵۲	۶/۱	۵/۴	۴/۴	طبقه بالا
۹۲	۵/۹	۴/۹	۳/۷	طبقه متوسط
۶۱	۵/۷	۳/۸	۲/۹	طبقه پائین
۲۰۵	۵/۹	۴/۷	۳/۶	جمع
میزان معنی دار بودن از لحاظ آماری با استفاده از روش (Ttest)				مقایسه سه طبقه اجتماعی
تفاوت میانگین ها				
مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	طبقه بالا در مقایسه با طبقه پائین
مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	طبقه بالا در مقایسه با طبقه متوسط
مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	مهم نیست	طبقه متوسط در مقایسه با طبقه پائین

بر طبق جدول ۲ میانگین تعداد بچه های به دنیا آمده زنان طبقه بالا و متوسط به ترتیب ۵/۳ و ۵ می باشد، حال آنکه رقم مذکور برای زنان طبقه پائین ۳/۹ است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که میزان باروری در زنان طبقه متوسط تفاوت چندانی با باروری در میان زنان طبقه بالا در روستاهای مورد مطالعه ندارد، در حالی که بین زنان طبقه بالا و طبقه پائین از لحاظ باروری تفاوت های قابل ملاحظه ای مشاهده می شود. گذشته از این، جدول شماره ۲ نشان می دهد که بطور کلی ارزش باروری درشش ده مورد مطالعه، و در میان کلیه خانوارها بالا است. چه زنان مورد مطالعه آرزو دارند بطور متوسط صاحب ۵/۹ اولاد باشند. میانگین تعداد ایده آل فرزند برای زنان طبقه بالا ۶/۱، طبقه متوسط ۵/۹ و طبقه پائین ۵/۷ است.

می توان گفت که بالا بودن ارزش باروری در جوامع روستائی نه تنها به علت احتیاج به کار اطفال بعنوان کارگر فاسیلی ارزان قیمت، که بالا بودن میزان مرگ و میر کودکان نیز تأثیر

کسزائی در سطح باروری دارد. مقایسه میانگین اطفال به دنیا آمده با تعداد فرزندان زنده خانوار، مؤید این واقعیت است. طبق ارقام جدول شماره ۲ میانگین تعداد فرزندان زنده خانوارهای نمونه، ۳/۹ است که در مقایسه با رقم ۴/۷، از متوسط تعداد اطفال به دنیا آمده ۱/۱ کمتر است. چنانچه میزان مرگ و میر اطفال را با تقسیم تعداد بچه های مرده بر تعداد بچه های زنده محاسبه کنیم، ملاحظه خواهد شد که میزان مرگ و میر اطفال در میان سه طبقه اجتماعی روستاهای مورد مطالعه ۲۹ درصد است. این رقم در میان خانوارهای طبقه بالا ۲۵ درصد، خانوارهای طبقه متوسط ۳۳ درصد و در بین زنان طبقه پائین ۲۷ درصد می باشد. بالا بودن میزان مرگ و میر اطفال در هر سه طبقه اجتماعی - اقتصادی از جمله عواملی است که تأثیر قابل ملاحظه ای بر روی تعداد ایده آل فرزندان در میان زنان روستائی دارد. زیرا زنان روستائی بدین علت که مطمئن شوند حداقل چند طفلی برایشان زنده خواهد ماند تمایل به داشتن اولاد زیاد دارند.

۷- توجیه رابطه منزلت اجتماعی - اقتصادی و باروری

با اینکه ارقام جدول شماره ۲ مبین رابطه مستقیم و معنی داری بین باروری و منزلت اجتماعی - اقتصادی است، معهود آشناخت دقیق تر رابطه مذکور احتیاج به تجزیه و تحلیل و توجیه بیشتری دارد. مسئله اساسی این است که چه عواملی در تفاوت های باروری میان طبقات اجتماعی روستائی مؤثر می باشند. پژوهندگان علوم اجتماعی در پاسخ به این سؤال عوامل گوناگونی از جمله سن زن در موقع ازدواج^{۲۰}، نظام ارزش های اجتماعی^{۲۱} و استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری را مورد توجه قرار داده اند.

در بررسی حاضر، میانگین تعداد بچه های به دنیا آمده به عنوان شاخص اصلی باروری به کار برده شده است و نیز به منظور کنترل اثر عامل مدت زمانی که زنان طبقات مختلف باسکان باردار شدن مواجه هستند، مدت ازدواج ثابت نگه داشته شده است. حال بر طبق ارقام جدول شماره ۳ ملاحظه می کنیم که کنترل مدت ازدواج چندان اثری در رابطه مستقیم بین منزلت اجتماعی - اقتصادی و میزان باروری ندارد.

همانطور که اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می دهد، در میان زن و شوهرانی که کمتر از ۱۵ سال از مدت ازدواجشان می گذرد، میانگین تعداد بچه های به دنیا آمده در طبقه بالا ۳/۹ نفر و در طبقه پائین ۲/۷ نفر می باشد. بدین ترتیب تفاوت تعداد مولید بین زنان طبقه بالا و طبقه پائین که قبلاً ۱/۱ نفر بود به میزان جزئی تغییر کرده و به ۱/۲ نفر رسیده است. میانگین تعداد بچه های به دنیا آمده زن و شوهرانی که بیشتر از ۱۵ سال است ازدواج کرده اند، برای زنان طبقه بالا ۷/۱ و برای زنان طبقه پائین ۵/۶ نفر است. به طوری که ملاحظه می شود تفاوت دو میانگین مزبور افزایش یافته و از ۱/۱ به ۱/۵ رسیده است. بنابراین اگرچه، به طور طبیعی بین میزان باروری و طول مدت

(جدول ۳)

میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده بر حسب منزلت اجتماعی-اقتصادی و طول مدت زناشویی

جمع	طول مدت زناشویی		منزلت اجتماعی-اقتصادی
	کمتراز ۱۰ سال	۱۰ سال و بیشتر	
\bar{X} (N)	\bar{X} (N)	\bar{X} (N)	
(تعداد) میانگین	(تعداد) میانگین	(تعداد) میانگین	
۵/۴ (۵۲)	۷/۱ (۲۵)	۳/۹ (۲۷)	طبقه بالا
۴/۹ (۹۲)	۶/۶ (۳۷)	۳/۸ (۵۵)	طبقه متوسط
۳/۸ (۶۱)	۵/۶ (۲۴)	۲/۷ (۳۷)	طبقه پائین
۴/۷ (۲۰۰)	۶/۴ (۸۶)	۳/۴ (۱۱۹)	جمع

\bar{X} = میانگین تعداد اطفال به دنیا آمده

(N) = تعداد زنان هر طبقه

زناشویی رابطه مستقیم و نزدیکی وجود دارد، ولی به طوری که ارقام جدول ۳ حاکی است تفاوت های باروری بین طبقات مختلف اجتماعی روستاهای مورد مطالعه را نمی توان به طول مدت ازدواج نسبت داد. همانطور که جدول شماره ۳ نشان می دهد میانگین تعداد بچه های به دنیا آمده برای ۱۱۹ زوج که کمتراز ۱ سال از ازدواج آنان می گذرد ۳/۴ است، حال آنکه رقم مشابه برای ۸۶ زوج که بیش از ۱ سال از ازدواجشان می گذرد ۶/۴ طفل می باشد، و طبیعی است که رابطه مستقیمی بین مدت زناشویی و سطح باروری وجود دارد.

«استیس» (Stys) در مطالعه خود در باب این موضوع به این نتیجه می رسد که سن زن در هنگام ازدواج مهمترین عامل تفاوت های باروری در میان روستائیان لهستانی می باشد^{۲۷}. در مطالعه ما نیز سن زن در هنگام ازدواج بعنوان متغیری که احتمالاً در رابطه اولیه بین باروری و منزلت اجتماعی-اقتصادی تأثیر می گذارد مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور سن زن به هنگام ازدواج ثابت نگه داشته شده و سپس رابطه بین باروری و منزلت اجتماعی-اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به طوری که ارقام جدول شماره ۴ نشان می دهد، رابطه بین منزلت اجتماعی و باروری باقی می ماند. به بیان دیگر، سن زن به هنگام ازدواج چندان تأثیری در تفاوت های باروری بین طبقات مختلف اجتماعی ندارد.

(جدول ۴)

میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده بر حسب منزلت اجتماعی-اقتصادی
وسن زن در موقع ازدواج

جمع	سن زن در هنگام ازدواج		منزلت اجتماعی- اقتصادی
	۱۶ سال و بیشتر	کمتر از ۱۶ سال	
\bar{X} (N)	\bar{X} (N)	\bar{X} (N)	
۵/۴(۵۲)	۴/۸(۲۷)	۶/۱(۲۵)	طبقه بالا
۴/۹(۹۲)	۵/۳(۳۶)	۴/۷(۵۶)	طبقه متوسط
۳/۸(۶۱)	۳/۱(۲۷)	۴/۴(۳۴)	طبقه پائین
۴/۷(۲۰۵)	۴/۴(۹۰)	۴/۹(۱۱۵)	جمع

\bar{X} = میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده

(N) = تعداد زنان هر طبقه

طبق جدول شماره ۴، در میان زنانی که قبل از سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده‌اند، میانگین تعداد بچه‌های به دنیا آمده ۴/۹ است، حال آنکه رقم مشابه در میان زنانی که بعد از سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده‌اند، ۴/۴ می‌باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که در میان زنان روستائی مورد مطالعه، بطور کلی رابطه معکوسی بین سن زن در هنگام ازدواج و باروری وجود دارد.

بسیاری از تحقیقاتی که درباره خانوارهای شهری انجام شده گواه بر آنست که استفاده از وسائل پیش‌گیری یکی از عوامل مؤثر تفاوت‌های باروری میان طبقات مختلف اجتماعی است^{۲۸}. اما در مورد جوامع روستائی اطلاعات ما درباره رابطه باروری و استفاده از وسائل جلوگیری بسیار محدود و ناقص می‌باشد. «ناگ» (Nag) در مطالعه خود پیرامون تفاوت‌های باروری میان طبقات اجتماعی دهات بنگال به این نتیجه می‌رسد که استفاده از وسائل جدید جلوگیری تأثیر چندانی روی سطح باروری تشرهای مختلف روستائی ندارد^{۲۹}. در مطالعه حاضر نیز ملاحظه می‌شود که وقتی عامل استفاده از وسائل جلوگیری از بارداری بعنوان متغیر واسطه *intervening variable* بین رابطه منزلت اجتماعی و میزان باروری مورد بررسی قرار می‌گیرد، در نتیجه اولیه تحقیق، یعنی وجود رابطه مستقیم بین منزلت اجتماعی و باروری تغییری حاصل نمی‌شود. همان‌گونه که ارقام جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، در میان ۲۶ زن که گزارش داده‌اند از وسائل جلوگیری استفاده می‌نمایند میانگین تعداد اطفال به دنیا آمده ۶/۳ طفل است، حال آنکه رقم مشابه برای ۱۵۷ زن که اظهار داشته‌اند از وسائل جلوگیری استفاده نمی‌کنند ۴/۶ طفل می‌باشد.

(جدول ۵)

میانگین تعداد فرزندان به دنیا آمده برحسب منزلت اجتماعی - اقتصادی و جلوگیری از بارداری

جمع	وسایل جلوگیری از بارداری		منزلت اجتماعی - اقتصادی
	استفاده نشده (تعداد) میانگین	استفاده شده (تعداد) میانگین	
۵/۴(۳۷)	۵/۳(۳۲)	۶/۶(۵)	طبقه بالا
۴/۸(۸۸)	۴/۷(۷۶)	۶ (۱۲)	طبقه متوسط
۴/۲(۵۸)	۳/۸(۴۹)	۶/۶ (۹)	طبقه پائین
*۴/۸(۱۸۳)	۴/۶(۱۵۷)	۶/۳(۲۶)	جمع

اگرچه در میان زنان روستائی مورد مطالعه تعداد خیلی کمی (۱۲/۶ درصد) اظهار داشته اند که از حاملگی جلوگیری می کرده اند و یاسی کنند اما وقتی به میانگین تعداد فرزندان آنان بنگریم متوجه می شویم که آنها بعد از آنکه تعداد زیادی طفل به دنیا آورده اند به فکر جلوگیری از بارداری افتاده اند. اکثریت زنان روستائی مورد مطالعه از وجود روش های جلوگیری از بارداری اطلاع داشته اند. چه ۸۵ درصد از آنان خود اظهار داشته اند که حداقل بایک متد آشنا هستند. و از این میان ۳۴ درصد از زنان مذکور گفته اند که شوهرشان به آنها اجازه می دهد از وسائل جلوگیری استفاده کنند. بنابراین می توان گفت که نظر منفی شوهر نسبت به استفاده از وسائل جلوگیری، دارای اهمیتی نظیر عواملی مانند کمبود درمانگاه، در دسترس نبودن وسائل جلوگیری از بارداری و تمایل شدید به داشتن اولاد زیاد است. به نظری رسد مجموعه عوامل مذکور باعث می شود که زنان روستائی از وسائل پیش گیری استفاده نکنند.

۸- خلاصه و نتیجه گیری:

این مطالعه با استفاده از شاخصی که برای تعیین منزلت اجتماعی - اقتصادی خانوارهای روستائی تهیه شده است، نشان می دهد که اولاد دهات نمونه، دارای ساخت طبقاتی بوده و ثانیاً تفاوت های قابل ملاحظه ای از لحاظ ارزش اولاد و سطح باروری بین طبقات مختلف بویژه بین خانوارهای طبقه بالا و طبقه پائین ده وجود دارد. اطلاعات به دست آمده به طور کلی بسین وجود

* تعداد کل پاسخ دهندگان به ۱۸۳ نفر تقلیل داده شد، زیرا ۲۲ نفر از زنان به این سؤال یا جواب نداده اند یا این که جواب های ناسرپوط داده اند.

تمایل شدید در میان زنان روستائی برای داشتن تعداد نسبتاً زیادی فرزند می‌باشد. با این که در میان زنان طبقه بالای ده تعداد فرزند ایده‌آل بیشتر از خانوارهای طبقه پائین است ولی تفاوت‌های مذکور از لحاظ آماری معنی دار نیست. در هر حال، نتایج و ارقام مطالعه حاضر به خوبی اهمیت منزلت اجتماعی - اقتصادی خانوار را بعنوان عامل مؤثری روی باروری خانوارهای روستائی نشان می‌دهد. حتی وقتی عواملی نظیر مدت زناشویی، سن زن در هنگام ازدواج و استفاده از وسائل جلوگیری از حاملگی را در رابطه بین باروری و منزلت اجتماعی - اقتصادی بعنوان عوامل کنترل وارد کردیم، در نتایج اولیه تحقیق تغییر قابل ملاحظه‌ای مشاهده نشد. با اینکه مدت زناشویی با سطح باروری رابطه مثبت و سن زن به هنگام ازدواج با میزان باروری رابطه معکوس دارد، معدها ملاحظه کردیم که این دو متغیر در رابطه بین منزلت اجتماعی و سطح باروری تأثیر مهمی نداشتند. رابطه بین تعداد بچه‌های به دنیا آمده و اقدام به جلوگیری از بارداری نشان داد که زنان روستائی تنها هنگامی از وسائل جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند که تعداد ایده‌آل فرزند خود را داشته و آرزوی آنان برآورده شده باشد.

اگر در مطالعه حاضر تفاوت‌های باروری میان زنان طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی روستائی آنطوری که باید و شاید تبیین و توجیه نشده است، بنا به چند دلیل از جمله کم بودن تعداد خانوارهای مورد مطالعه، نقص شاخص‌های اندازه‌گیری و محدود بودن متغیرهای حد واسط می‌باشد. با این که منزلت اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم روی باروری اثر می‌گذارد، ولی در مطالعات روستائی درباره رابطه بین منزلت اجتماعی - اقتصادی و باروری باید متغیرهای دیگری از قبیل سقط جنین، عقیم بودن، مدت شیردهی، نوع تغذیه و جلوگیری از بارداری نیز در طرح تحقیق در نظر گرفته شوند.

برای برنامه‌ریزی جمعیت جوامع روستائی، (نتایج بررسی حاضر) نکات قابل توجهی را عرضه می‌دارد. برای مثال می‌توان گفت که با بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی خانوارهای روستائی در مراحل اولیه توسعه، امکان دارد که میزان باروری روبه افزایش نهد. همین جا باید متذکر شد که این نتیجه‌گیری متکی بر فرض مبنی بر خطی بودن رابطه بین باروری و طبقه اجتماعی - اقتصادی می‌باشد، و صحت فرض مذکور از نظر علمی و بر اساس *Threshold approach* یعنی امکان تقلیل باروری بعد از سطح بخصوصی در موقعیت اجتماعی - اقتصادی مورد شک و سؤال قرار می‌گیرد. برای نتیجه‌گیری صحیح در باره نوسانات سطح باروری در میان خانوارهای روستائی که سرعت وارد مرحله توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شوند، به مطالعات بیشتری نیاز است. علاوه بر این، لازم است که تأثیر افزایش میزان باروری در کوچک شدن و قطعه‌قطعه شدن اراضی مزروعی مورد توجه قرار گیرد.

مهم‌ترین نتیجه این مطالعه در زمینه خط مشی کنترل باروری در مناطق روستائی است. زیرا همانطور که ذکر شد، استفاده از وسائل جلوگیری در میان زنان روستائی از زمانی آغاز می‌شود که زنان به رقم تعداد دلخواه اولاد که غالباً هم زیاد است رسیده باشند. بنابراین سعی در محدود کردن میزان باروری از طریق عرضه کردن وسائل جلوگیری از حاملگی در میان روستائیان چندان مؤثر نخواهد بود، مگر اینکه این گونه اقدامات با برنامه‌های آموزشی و بهداشت خانوادہ توأم شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مآخذ

نویسنده بر خود لازم می‌داند از راهنمایی آقای دکتر جورج مایرز استاد جامعه‌شناسی دانشگاه دوک و همچنین از آقایان محمد طبیان و علیرضا آیت‌الهی همکاران دانشگاه پهلوی که در انجام مصاحبه، جمع‌آوری اطلاعات و تهیه جداول فعالیت ارزنده داشته‌اند، صمیمانه تشکر کند.

1. See, for example, United States Bureau of the Census, "Fertility of the Population : June 1964 and March 1962," *Current Population reports*, Series P - 20, No. 147, (Washington, D.C., 1966). J.E. Patterson, "Educational Attainment and Fertility in the United States, 1960," *Population Index*, 31.(1965),P.246. P.K.Whelpton, A.A.Campbell and J. E. Patterson, *Fertility and Family Planning in the United States* (Princeton: Princeton University Press, 1966). C.V. Kiser, W.H. Crabill, and A.A. Campbell, *Trends and Variation in Fertility in the United States* (Cambridge : Harvard University Press, 1968).
2. N.B. Ryder and C.F. Westoff, *Reproduction in the United States, 1965* (Princeton: Princeton University Press, 1971). G.Z. Johnson, "Differential Fertility in European Countries," in *Demographic and Economic Change. A Report of the National Bureau of Economic Research* (NewYork: Columbia University Press, 1960), pp. 36 - 72. T. Van Den Brink, "Leveling of Differential Fertility Trends in the Netherlands," in *Proceedings of the World Population Conference*, 1 (United Nations, 1955), pp. 743 - 752.
3. See O. D. Duncan, "Farm Background and Differential Fertility," *Demography*, 2 (1965), pp. 240 - 249. J.A. Beegle, "Social Structure and Changing Fertility of the Farm Population", *Rural Sociology*, Vol .31 (1965), pp. 415 - 427. P.N. Ritchy and C.S. Stokes, "Residence Background, Socio - Economic Status, and Fertility", *Demography*,

- 8 (1971), pp. 369 - 377.
4. F. Notestein, "Class Differences in Fertility", in Bendix and Lipset, *Class, Status and Power* (The Free Press, 1963).
 5. W. Stys, "The Influence of Economic Conditions on the Fertility of Peasant Women", *Population Studies*, XI (1957), pp. 136 - 148.
 6. E. D. Driver, *Differential Fertility in Central India* (Princeton : Princeton University Press, 1963). pp. 95 - 97.
 7. M. Nag, *Factors Affecting Human Fertility in Nonindustrial Societies; A Cross-Cultural Study* (Yale University Publications in Anthropology, No. 66, Human Relations Area Files Press, 1968), pp. 49-51.
 8. D. Yaukey, *Fertility Differences in a Modernizing Country: A Survey of Lebanese Couples* Port Washington, N. Y./London : Kennikat Press, 1972), pp. 33 - 35.
 9. H. Rizk, "Fertility in the United Arab Republic", *Marriage and Family Living*, 25 (1963), pp. 69 - 73.
 10. J. Knodel, "Two and a Half Centuries of Demographic History in a Bavarian Village", *Population Studies*, XXIV (1970), pp. 353-376.
 11. H. Eftekhar, G. Jalaly and J. Peyman, *Preliminary Report on Fertility* (Tehran : Tehran University, The school of Health Publications, No. 1894, 1352)
 12. S.H. Brandes, *Migration, Kinship, and Community: Tradition and Transition in a Spanish Villlage* (New York : Academic Press, 1975), pp. 6 - 8.
 13. O. Lewis, *Life in a Mexican Village: Tepoztilan Restudied* (Urbana : University of Illinois Press, 1951), pp. 431 - 432.
 14. S. H. Brandes, op. cit. in footnote 12, pp. 47 - 54.
 15. A.K.S. Lambton, *Landlord and Peasant in Persia* (London : Clarendon Press, 1953).
 16. I. Ajami, "Social Classes, Family Demographic Characteristics and Mobility in Three Iranian Villages", *Sociologia Ruralis*, IX (1969), pp. 62 - 72.
 17. E. M. Rogers, *Modernization Among Peasants: The Impact of Communication* (New York : Holt, Rinehart and Winston, Inc. 1969), p. 315.

18. R. Freeman, "Norms for Family Size in Underdeveloped Areas", *Proceedings of the Royal Society*, 81 (1963), pp. 220 - 234.
19. A.B. Hollingshead, F.C. Redlich, "The Index of Social Position," in *Continuities in the Language of Social Research*, eds. P.F. Lazarsfeld, A.K. Pasanella, M. Rosenberg (New York : The Free Press, 1972), pp. 66 - 72.
20. B. Barber, *Social Stratification* (New York, Harcourt, Brace and World, 1957), p. 44.
21. Lieberman also found the income data reported both by the rural and urban sub - samples in Iran highly unreliable. See, S. S. Lieberman, "Family Planning in Iran: Results of a Survey and a Mass Media Campaign," *Iranian Studies* 8 (1972) pp. 149 - 179.
22. Pearson correlation was used to compute the association between the indices of ownership of durable goods and communication exposure ($r=0.35, p < 0.01$). This is in the expected direction which assumes higher levels of communication exposure for the higher income groups. In a study of family planning in Iran, the ownership of durable goods was also found to be a valid index for income for both the village and city subsamples. The high ranked households on this index had a substantially higher percentage who had savings. They also had a higher percentage who were using contraceptives. See. S. S. Lieberman, op. cit. in footnote 21.
23. Pearson correlation of SES scale with landholding was 0.85 ($p < .001$), with the index of ownership of durable goods was 0.54 ($p < .001$), with husband's level of literacy 0.12 ($p < .03$), and with husband's occupation 0.47 ($p < .001$).
24. The validity of SES scale was determined by the correlation of 0.23 with participation in social organization scale. It was assumed that the higher SES, the higher the level of participation of the household heads in the village social and economic organizations such as rural

- cooperative and village council.
25. L. Bumpass, "Age at Marriage As a Variable in Socio-Economic Differentials in Fertility", *Demography*, 6(1969), pp. 45 - 54.
26. W.B. Clifford, II, "Modern and Traditional Value Orientations and Fertility Behavior: A Social Demography Study", *Demography*, 8 (1971), pp. 37 - 48.
27. W. Stys, *op. cit.* in footnote 5, p. 139.
28. A.M. Khalifa, "A Proposed Explanation of the Fertility Gap Differentials by Socio - Economic Status and Modernity: The Case of Egypt," *Population Studies*, 27 (1973), pp. 431 - 442.
29. M. Nag, *op. cit.* in footnote 7, p. 144.

